



مستاک اندیشه

RASTAK ANDISHE

نشریه دانشجویی دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام

شماره 18 بهمن و اسفند
1404



صاحب امتیاز: معاونت فرهنگی و دانشجویی دانشگاه بین المللی اهل بیت علیهم السلام

مدیر مسئول: محمد مطلبی، معاون فرهنگی و دانشجویی

گردآورنده و ویراستار: مریم مردانی، سرپرست پشتیبانی معاونت فرهنگی و دانشجویی

سردبیر: فاطمه امیری، دانشجوی کارشناسی حقوق

طراح جلد و صفحه آرا: سبطین جعفری، دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

اعضای هیئت تحریریه: (اسامی تمامی نویسندگان)



من چگونه بروم در ورق سال جدید؟

که همه بودن تو مانده به تقویم قدیم...

ماه‌های پایانی سال، همیشه بوی مرور می‌دهند؛ مرور آنچه کاشتیم و آنچه هنوز در خاک انتظار مانده است. بهمن که می‌رسد، برفِ خاطره بر زمین اندیشه می‌نشیند و تقویم، روایت‌گر روزهایی می‌شود که در هر ورقش نشانی از آزادی و امید نهفته است. سالگرد انقلاب اسلامی، یادآور آن است که هر اندیشه اگر بر پایه آگاهی و ایمان بنا شود، قدرت باروری در دل زمستان را دارد. اما در کنار یادِ بزرگِ بهمن، اسفند از راه می‌رسد با نسیمی که خبر از نو شدن می‌آورد. بوی سبزه و سنبل، با صدای پرنده‌هایی که از سفر بازگشته‌اند، در هم می‌پیچد و دل‌ها را به بهار می‌خواند.



و بالاخره اسفند رسید؛ در آستانه ماه رمضان. ماهی که قرار بود چراغ دل را روشن تر کند و غبار خستگی را از جانها بتکاند. اما رمضان امسال، با خودش نوعی سکوت اندیشناک آورد؛ سکوتی که پر بود از پرسش، از خاطره، از مرور اتفاقاتی که در این زمستان پشت سر گذاشتیم.

زمستان ۱۴۰۴ از آن زمستانهایی بود که فقط سردی هوا را با خود نیاورد؛ گویی در دل تقویم، فصلهایی از اندوه و تأمل نیز ورق خورد. هنوز از بهمن عبور نکرده بودیم که جامعه با خبرهای تلخ، سنگین شد؛ از داغ ازدسترفتن عزیزانی که بی گناه به خاک افتادند، تا سوگ رهبر شهید، حضرت آیت الله العظمی امام خامنه ای (قدس سره الشریف) که سراسر کشور را دربرگرفت. شهادت دختران میناب، زخمی بر جان همه گذاشت؛ زخمی که نه فقط دلها که وجدان یک ملت را به لرزه انداخت و نشان داد چقدر به مهربانی، امنیت و توجه بیشتری نیاز داریم.



در همین روزها، جهان هم آرام نبود؛ سایه‌ی جنگی که نام رمضان بر خود داشت، دوباره بر اخبار و ذهن‌ها افتاد و یادآور شد که صلح، هنوز یکی از دورترین آرزوهای بشر است.

در دانشگاه هم حال و هوایی عجیب جریان دارد؛ دانشجوها میان درس‌ها و میان رفت و آمدهای شتاب‌زده، مدام از این روزها حرف می‌زنند. گاهی با بغض، گاهی با خشم و گاهی با امیدی که نمی‌گذارد آینده را تیره ببینند. انگار همه ما، در رستاک اندیشه و در هر گوشه‌ای از این محیط جوان، داریم دنبال واژه‌هایی می‌گردیم که هم تسلا باشند و هم چراغ.

بهمن و اسفند امسال، بیشتر از هر سال یادمان می‌اندازند که زندگی فقط روزهای جشن و بهار نیست؛ گاهی باید در دل زمستان، معنای همدلی را دوباره کشف کرد.

شاید رسالت ما در این شماره همین باشد؛ بازتاب حال جامعه، حال دانشجو، حال انسان امروز. و در کنار آن، کاشتن دانه‌هایی از امید؛ امید به اینکه با آغاز بهار، دست کم اندیشه‌هایمان جوانه بزنند، حتی اگر زمین هنوز سرد باشد.



رستاک اندیشه بر این باور است که هر فصل، هر فقدان، هر رمضان، هر زمستان، در نهایت ما را به سمت فهمی عمیق تر از انسان بودن می برد. و شاید همین، بزرگ ترین بهار در دل هر سال باشد.

فاطمه امیری

دانشجوی کارشناسی حقوق

اهل ایران



ماسوله؛ نگینی در دل جنگل‌های گیلان



ماسوله، نگین پلکانی ایران، در ۶۰ کیلومتری جنوب غربی رشت و در ارتفاعات جنگلی استان گیلان واقع شده است. این شهر تاریخی که با شماره ثبت ۱۰۹۰ در فهرست آثار ملی ایران به ثبت رسیده، نمونه‌ای بی‌نظیر از معماری بومی و همزیستی انسان با طبیعت در شمال ایران است. ماسوله نه تنها به خاطر خانه‌های پلکانی‌اش که گویی بر روی دامنه‌ی کوه در هم تنیده‌اند، بلکه به خاطر طبیعت بکر، آب و هوای دل‌انگیز و فرهنگ غنی‌اش، سالانه گردشگران بسیاری را به سوی خود فرا می‌خواند.

معماری شگفت‌انگیز؛ شهری بر روی پله‌ها

ویژگی بارز و منحصربه‌فرد ماسوله، معماری پلکانی آن است. در این شهر، حیاط هر خانه فضایی است برای خانه‌ی بالایی و سقف خانه‌ای که در پایین قرار دارد، پیاده‌رو یا بخشی از حیاط خانه‌ی بالایی محسوب می‌شود. این ساختار منحصربه‌فرد، ماسوله را به شهری سه بعدی تبدیل کرده است که خیابان‌هایش در طبقات مختلف، کوچه‌ها و معابر پیاده‌رو را تشکیل می‌دهند. خانه‌ها که اغلب از دو یا سه طبقه تشکیل شده‌اند، با مصالح بومی مانند چوب، سنگ و خشت ساخته شده و بام آن‌ها با سفال پوشانده شده است. این شیوه معماری نه تنها با شیب تند کوهستان سازگار است، بلکه به بهترین نحو از نور خورشید و وزش باد بهره می‌برد و فضایی دلنشین و کاربردی را فراهم می‌آورد.

هر خانه در ماسوله، علاوه بر فضای مسکونی، شامل فضاهایی چون «کوره‌کول» (فضای نگهداری هیزم و لوازم) و «طویله» (محل نگهداری دام) در طبقه همکف بوده است. پنجره‌های چوبی رنگی و بالکن‌های کوچک، زیبایی خانه‌ها را دوچندان کرده و چشم‌اندازهایی رؤیایی از دره‌ها و جنگل‌های اطراف را به نمایش می‌گذارند.



طبیعت مسحورکننده؛ آغوشی از سبزی و مه

ماسوله در میان جنگل‌های انبوه هیرکانی و رشته‌کوه‌های البرز غربی جای گرفته و از طبیعتی خیره‌کننده برخوردار است. رودخانه پرآب ماسوله رودخان از میان این شهر می‌گذرد و طراوت و زندگی را به ارمغان می‌آورد. آب و هوای ماسوله در بیشتر ایام سال خنک و مطبوع است، اما در فصل بهار و تابستان به اوج زیبایی خود می‌رسد؛ زمانی که دامنه‌ها با گل‌های وحشی رنگارنگ پوشیده شده و مه صبحگاهی، حال و هوایی رؤیایی به شهر می‌بخشد. پاییز ماسوله نیز با رنگ‌های گرم و پاییزی خود، منظره‌ای تماشایی را خلق می‌کند.



تاریخ و فرهنگ؛ اصالت در گذر زمان

قدمت ماسوله به قرن دهم هجری قمری بازمی‌گردد، اما شواهد باستان‌شناسی نشان‌دهنده سکونت در این منطقه از هزاره‌های پیش است. این شهر در طول تاریخ، همواره به عنوان یک مرکز مهم بیلاقی و منطقه‌ای استراتژیک

شناخته می‌شده است. مردم ماسوله دارای فرهنگ و سنت‌های خاص خود هستند که ریشه در تاریخ کهن گیلان دارد. زبان تالشی، پوشش محلی و غذاهای سنتی، بخشی از هویت فرهنگی این دیار است.

از جاذبه‌های گردشگری ماسوله علاوه بر بافت تاریخی و خانه‌های پلکانی، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

* موزه‌ی مردم‌شناسی ماسوله: این موزه که در یکی از خانه‌های تاریخی شهر واقع شده، مجموعه‌ای از اشیاء و ابزارآلات زندگی مردم ماسوله را به نمایش می‌گذارد و تصویری روشن از سبک زندگی، فرهنگ و مشاغل سنتی این منطقه ارائه می‌دهد.

* مسجد جامع ماسوله: مسجدی قدیمی با معماری سنتی که در مرکز شهر قرار دارد.

* ییلاقات اطراف ماسوله: مناطقی چون اولسبلنگاه و شنه دشت که با طبیعت بکر و کلبه‌های چوبی زیبا، مقصدی ایده‌آل برای علاقه‌مندان به طبیعت‌گردی و کوهنوردی هستند.

* آبشار ماسوله: آبشاری زیبا که در نزدیکی شهر قرار گرفته و جلوه‌ای دیگر به طبیعت منطقه می‌بخشد.



ماسوله، با معماری شگفت‌انگیز، طبیعت مسحورکننده و تاریخ پر بار خود، تجربه‌ای منحصر به فرد از سفر به قلب گیلان را برای هر بازدیدکننده‌ای رقم می‌زند. این شهر تاریخی، نه تنها یادگاری ارزشمند از گذشته است، بلکه شاهدهی زنده بر توانایی انسان در آفرینش هماهنگ با طبیعت پیرامونش.

کیمیا پیردهقان

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته جزا و جرم‌شناسی

اهل ایران





مصاحبه با دکتر نادعلی زاده، مدیر گروه دپارتمان زبان و ادبیات فارسی و عضو هیأت علمی دانشگاه بین المللی اهل بیت (ع)

۱- لطف بفرمایید خلاصه‌ای از زندگی‌نامه فردی و علمی خود برای خوانندگان نشریه رستاک اندیشه بیان کنید.

- این‌جانب مسلم نادعلی‌زاده استادیار رشته‌ی زبان و ادبیات فارسی در دانشگاه بین‌المللی اهل‌بیت علیهم‌السلام هستم. دوره‌ی تحصیلی خود را ابتدا در زادگاهم شهرستان دامغان و سپس در تهران سپری کردم و در این مدت، ضمن کسب مدال طلای المپیاد ادبی کشور، مطالعات فراوانی در حوزه‌ی علوم دینی، تاریخ و هنر داشته‌ام که تا کنون منتهی به تألیف تعداد قابل توجهی کتاب و مقاله شده‌است.

در کنار مطالعات و امور پژوهشی، همکاری‌های بلندمدتی نیز با معاونت‌های فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان تبلیغات اسلامی و سازمان صدا و سیما داشته‌ام و در سمتهایی چون عضویت در شورای شعر، ترانه و کلام وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، دبیری جایزه‌ی ترانه‌ی فجر، عضویت در اندیشکده‌ی هیئت سازمان تبلیغات اسلامی و همچنین تهیه‌کنندگی و نویسندگی در برنامه‌های سازمان صدا و سیما جمهوری اسلامی به خدمت پرداخته‌ام.

۲- بایسته‌های کار فرهنگی از نظر شما چیست؟

- بعضی فعالیت‌ها با جسم انسان‌ها سر و کار دارند، مانند پزشکی، تربیت بدنی، امور تغذیه، کلینیک‌های زیبایی و... در کارهای فرهنگی، مخاطب ما روح انسان‌هاست؛ لذا باید اهل گفتگو و مدارا بود، سعه‌ی صدر داشت و خوش‌سلیقه و زیبایی‌شناس بود. روح انسان‌ها لطیف است و لازمه‌ی مواجهه با شیء لطیف، لطافت و مهربانی و مداراست.

۳- از دیدگاه شما افق دانشگاه در حیطه فرهنگی چیست و با توجه به چندگانگی فرهنگی موجود در دانشگاه، چه راهکارهایی را برای تقریب فرهنگ‌ها پیشنهاد می‌کنید؟

- بهترین افق و چشم‌انداز پیش‌رو برای دانشگاه بین‌المللی اهل بیت علیهم السلام، باید استقرار اخلاق محمدی، علوی و جعفری در میان استادان، کارکنان و دانشجویان باشد؛ به گونه‌ای که هر کس از بیرون وارد دانشگاه می‌شود، عطر اخلاق حسنه و مکارم اخلاقی را بتواند استشمام کند. اخلاق نیک، هم‌غایت تربیت انبیا و اولیاست و هم‌روش تربیتی ایشان؛ کما اینکه وجود مبارک رسول اکرم فرمودند: بُعِثْتُ لِأَتَمِّمَ مَكَارِمَ الْأَخْلَاقِ (غایت) و حضرت باری -جل جلاله- نیز خطاب به ایشان فرمودند: اِنَّكَ لَعَلَى خَلْقٍ عَظِيمٍ و نیز: فَبِمَا رَحْمَةٍ مِنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ و لو كنت فظاً غليظ القلب لانفضوا من حولك (روش).

۴- مؤلفه‌های دانشگاه بین‌المللی از نظر شما چیست؟

- در یک دانشگاه بین‌المللی، نخستین امری که چشم‌نواز است، تکثر و تنوع ملیت‌ها، اقوام، مذاهب و دیدگاه‌هاست. این تنوع، مستلزم کسب معرفت و احترام به باورها و فرهنگ‌ها و نیز رواداری و تأکید بر مشترکات انسانی و اخلاقی

است که نمونه‌های فراوانی از آن را می‌توانیم در سیره‌ی رسول خدا، اهل‌بیت و علمای بزرگ در مواجهه با پیروان سایر مذاهب و اقوام ببینیم.

۵- به نظر شما مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فرهنگی دانشگاه بین‌المللی با سایر دانشگاه‌ها چه تفاوت‌هایی دارد؟

در دانشگاه اهل‌بیت به‌علت تنوع و تکثری که یاد شد، مشارکت دانشجویان در فعالیت‌های فرهنگی امری اجتناب‌ناپذیر است. اگر این مشارکت صورت نپذیرد، بیم آن می‌رود که فعالیت‌های فرهنگی، تک‌بعدی و ملال‌آور شود. الحمد لله رویکرد مسئولان عالی دانشگاه تا کنون، استفاده از ظرفیت همه‌ی دانشجویان و استادان برای فعالیت‌های فرهنگی بوده که شایسته‌ی تقدیر و تشکر است.

۶- عملکرد معاونت فرهنگی و دانشجویی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟

معاونت فرهنگی و دانشجویی بار سنگینی را بر دوش می‌کشد و علی‌رغم مشکلات متعدد در سال‌های اخیر به‌علت محدودیت‌های اقتصادی، توانسته‌است با بهره‌گیری از ظرفیت‌های موجود، عملکرد شایسته و درخوری داشته باشد. توجه هم‌زمان به نیازهای متنوع دانشجویان و عنایت به تقویت و تربیت جسمانی و روحانی ایشان، امری است که اگرچه ظاهری ساده دارد، به‌غایت دشوار و حساس است. دانشجویان ما گاه هزاران کیلومتر از خانواده‌های خود دور هستند و معاونت فرهنگی و اجتماعی باید چنان عمل کند که هیچ یک از ایشان در کشور ما، احساس غربت و دل‌تنگی نکند و دانشگاه را خانه‌ی دوم خود بداند و خدانا کرده بر اثر برخی غفلت‌ها، رنجش خاطر را ایجاد نکرده. ایجاد فضای شاد و بانشاط در دانشگاه و برگزاری اردوهای متنوع و معرفی دانشجویان مستعد به سازمان‌ها و مؤسسات پژوهشی و فرهنگی جمهوری اسلامی برای همکاری ذیل قوانین موجود و با رعایت ضوابط، می‌تواند در انگیزه‌بخشی و تقویت روحیه‌ی دانشجویان مؤثر باشد.

۷- ضمن تشکر از فرصتی که در اختیار گروه مصاحبه‌نشریه رستاک اندیشه گذاشتید، در پایان اگر نکته‌ای دارید بفرمایید.

در پایان از همه‌ی عزیزان سپاسگزارم و برای دانشجویان گرامی و همکاران گران‌قدر آرزوی توفیق و سلامت و عاقبت بخیری دارم.

مصاحبه کننده: سبطین جعفری

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

اهل پاکستان

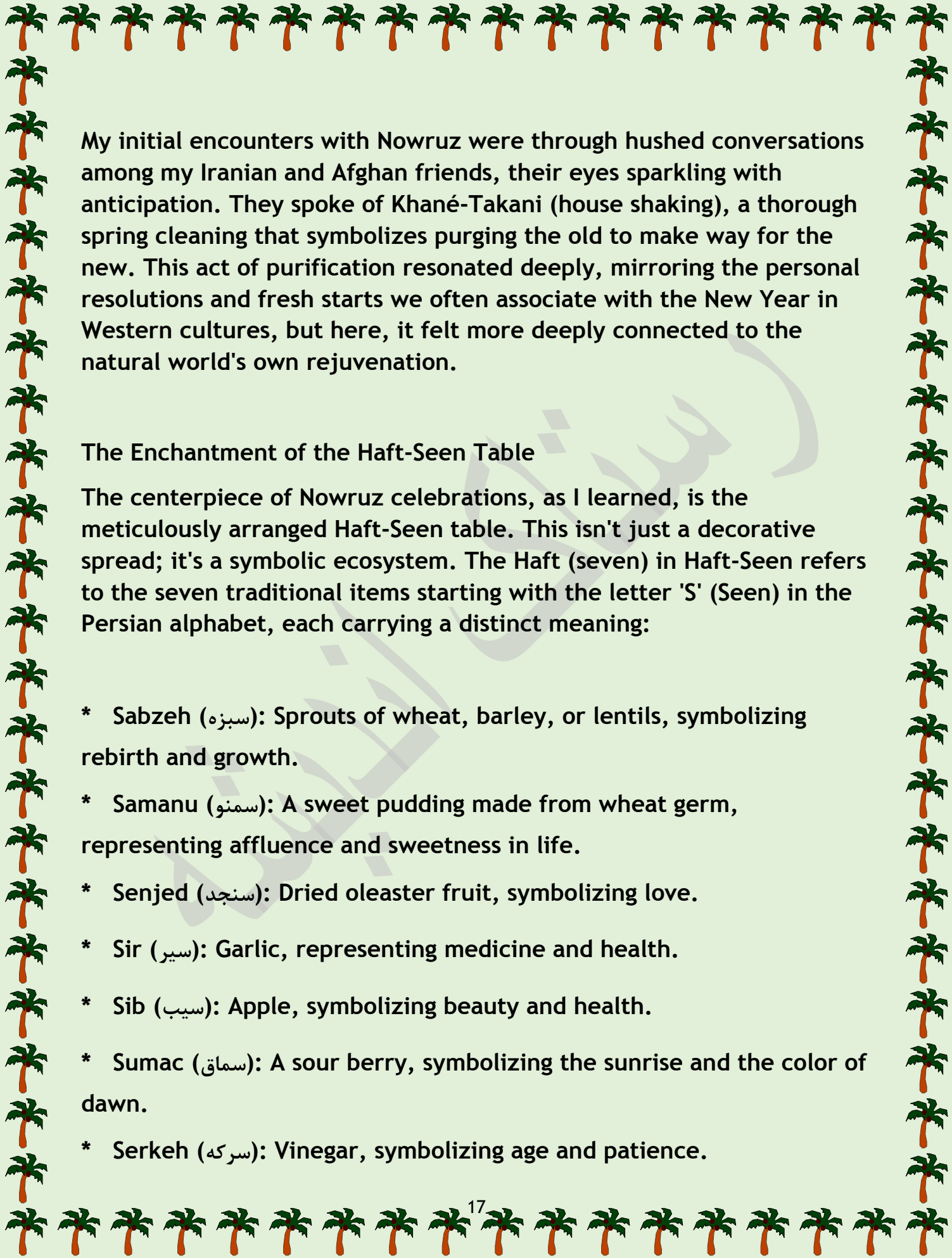


The Essence of Nowruz: A Springtime Awakening

As an international student navigating a new academic and cultural landscape, the arrival of Nowruz was like stumbling upon a hidden treasure chest of traditions, deeply intertwined with the very essence of spring and renewal. It's more than just a holiday; it's a vibrant testament to history, nature, and the enduring human spirit of hope.

Nowruz, literally translating to New Day, marks the Persian New Year and coincides with the vernal equinox, typically falling around March 21st. For many cultures across Central Asia, the Middle East, and beyond, it signifies not just the end of winter but a profound rebirth - a time when nature awakens, and so too does the human heart with fresh aspirations.





My initial encounters with Nowruz were through hushed conversations among my Iranian and Afghan friends, their eyes sparkling with anticipation. They spoke of Khané-Takani (house shaking), a thorough spring cleaning that symbolizes purging the old to make way for the new. This act of purification resonated deeply, mirroring the personal resolutions and fresh starts we often associate with the New Year in Western cultures, but here, it felt more deeply connected to the natural world's own rejuvenation.

The Enchantment of the Haft-Seen Table

The centerpiece of Nowruz celebrations, as I learned, is the meticulously arranged Haft-Seen table. This isn't just a decorative spread; it's a symbolic ecosystem. The Haft (seven) in Haft-Seen refers to the seven traditional items starting with the letter 'S' (Seen) in the Persian alphabet, each carrying a distinct meaning:


- * Sabzeh (سبزه): Sprouts of wheat, barley, or lentils, symbolizing rebirth and growth.
- * Samanu (سمنو): A sweet pudding made from wheat germ, representing affluence and sweetness in life.
- * Senjed (سنجد): Dried oleaster fruit, symbolizing love.
- * Sir (سیر): Garlic, representing medicine and health.
- * Sib (سیب): Apple, symbolizing beauty and health.
- * Sumac (سماق): A sour berry, symbolizing the sunrise and the color of dawn.
- * Serkeh (سرکه): Vinegar, symbolizing age and patience.



Beyond these seven, the table is often adorned with other meaningful objects: a mirror for self-reflection, painted eggs representing fertility, a goldfish symbolizing life, candles for light and happiness, and the holy Quran or poetry books for spiritual guidance. Assembling this table felt like crafting a visual prayer for the year ahead, a beautiful blend of nature, spirituality, and domestic artistry.

The Spirit of Togetherness: Visits and Blessings

The festive period extends for days, marked by the tradition of Did-o-Bazdid - visiting family and friends. This emphasis on strengthening social bonds and familial ties is a cornerstone of Nowruz. I was



fortunate enough to be invited to several such gatherings, experiencing firsthand the warmth and hospitality. Elderly relatives bestow Eidi (عیدی), usually cash or small gifts, upon the younger generation, a gesture that reinforces generosity and carries wishes for prosperity. Sharing sweets, meals, and laughter in these homes provided an invaluable insight into the community's values.

Sizdah Bedar: Embracing Nature's Embrace

The festivities culminate in Sizdah Bedar (سیزده بدر), the 13th day of Nowruz, which translates to getting rid of the 13th. It's a day dedicated to spending time outdoors, picnicking in parks and natural landscapes. The tradition involves taking the Sabzeh from the Haft-Seen table and casting it into running water, symbolically releasing any ill fortune and carrying wishes for the year ahead downstream. For me, this was the perfect finale - a collective move towards nature, embracing the outdoors as a source of life and renewal, much like the essence of Nowruz itself.

A Universal Message

Experiencing Nowruz has been more than just observing a foreign tradition; it's been a lesson in the universal language of hope, renewal, and connection. It's a celebration that beautifully bridges the ancient and the modern, reminding us of our intrinsic link to the natural cycles of the Earth and the importance of fostering strong community bonds. As I continue my studies, the spirit of Nowruz - the promise of a fresh start and the warmth of shared joy - will undoubtedly remain a cherished memory and a guiding principle.



خوان کارلوس دوریا لیکونا

دانشجوی کارشناسی مهندسی کامپیوتر

اهل کلمیا



تأثیر بازاریابی دیجیتال بر رفتار مصرف کننده در بازارهای نوظهور



استفاده گسترده در دهه های اخیر تحول دیجیتال به عنوان یکی از مهم ترین عوامل تغییر در رفتار مصرف کنندگان شناخته شده است. گسترش اینترنت از تلفن های هوشمند و رشد پلتفرم های اجتماعی زمینه ای فراهم کرده است تا بازاریابی سنتی جای خود را به بازاریابی دیجیتال دهد. بازارهای نوظهور به ویژه در کشورهای در حال توسعه با رشد سریع اقتصادی و افزایش دسترسی مردم به فناوری مکانی مناسب برای اعمال استراتژی های نوین بازاریابی شده اند. در این میان رفتار مصرف کننده که همواره تحت تأثیر محرک های محیطی اجتماعی و روان شناختی قرار دارد. اکنون بیش از هر زمان دیگری از فعالیت های بازاریابی دیجیتال تأثیری پذیرد. از این رو بررسی تأثیر بازاریابی دیجیتال بر رفتار مصرف کنندگان در بازار های نوظهور می تواند به شرکت ها در درک بهتر تصمیمات خرید مشتریان و تدوین استراتژی های موثر کمک شایانی نمایند.

رفتار مصرف کنندگان در بازارهای نوظهور تحت تاثیر رشد سریع اقتصادی افزایش نفوذ اینترنت و توسعه ابزارهای دیجیتال قرار دارد. در این بازارها استفاده از تلفن همراه به عنوان اصلی ترین وسیله دسترسی به اینترنت موجب تغییر در عادات خرید و افزایش توجه به محتوای سازگار با موبایل شده است. ترجیحات مصرف کنندگان بسیار متنوع بوده و به شدت از عوامل فرهنگی اقتصادی و اجتماعی تاثیر می پذیرد. میزان اعتماد به خرید آنلاین نیز بسته به امنیت ادراک شده تجربه های پیچیده و سطح آشنایی با تجارت الکترونیک متفاوت است. همچنین محتوای بومی سازی شده پدیده های متناسب با ارزش های فرهنگی نقش مهمی در برانگیختن تعامل مصرف کنندگان و شکل دهی به ادراک برند ایفا می کند. در نتیجه درک دقیق از رفتار مصرف کنندگان در این بازارها برای طراحی استراتژی های بازاریابی موثر و افزایش وفاداری مشتریان ضروری است.



بازاریابی دیجیتال به عنوان یک اکوسیستم و پدیده ای معرفی می شود. که در آن تعامل میان مصرف کنندگان تولید کنندگان و ذی نفعان نقش اساسی دارد. یکی از ویژگی های مهم بازاریابی دیجیتال نفوذ بالا

(Penetration Market) است که امکان گسترش دسترسی به محصولات محلی را در سطح وسیع فراهم می‌سازد. همچنین ارتباطات هسته ای (Core Communication) در این اکوسیستم به عنوان یک عامل کلیدی برای تسهیل تبادل اطلاعات میان طرفین بازاریابی مطرح می‌شود. ویژگی دیگری بازاریابی دیجیتال توانمند سازی کسب و کار های کوچک و متوسط (SMES Empowerment) از طریق دیجیتال سازی فرایند های بازاریابی است. علاوه بر این حضور فعال نهاد های مانند دولت بانک ها و تامین کنندگان به عنوان تسهیل گران اکوسیستم دیجیتال نشان می‌دهد که هم افزایی بین ذی نفعان نقش مهمی در موفقیت بازاریابی دیجیتال دارد. در نهایت انعطاف پذیری و قابلیت سازگاری با شرایط بازار های محلی از دیگر ویژگی های کلیدی بازاریابی دیجیتال است.

بازاریابی دیجیتال تاثیر قابل توجهی بر رفتار مصرف کنندگان در بازار های نوظهور دارد. با گسترش اینترنت و استفاده از گوشی های هوشمند مصرف کنندگان به اطلاعات بیشتری دسترسی پیدا کرده و تصمیم گیری آنها آگاهانه تر شده است. شبکه های اجتماعی و اینفلوئنسر ها نقش مهمی در افزایش اعتماد و تمایل به خرید دارند. همچنین عوامل مانند تخفیف ها و قیمت مناسب تاثیر زیادی بر انتخاب مصرف کنندگان دارند از سوی دیگر بازاریابی دیجیتال باعث افزایش تعامل بین برند و مشتری و ایجاد تجربه های شخصی سازی شده می‌شود. با این حال چالش های مانند سواد دیجیتال پایین و نگرانی های مربوط به حریم خصوصی همچنان وجود دارد.



یکی از مهم ترین اثرات بازاریابی دیجیتال افزایش آگاهی م مصرف کنندگان است. امروزه قبل از خرید، اطلاعات گسترده ای از طریق شبکه های اجتماعی، وب سایت ها و نظرات کاربران به دست می آورند. این دسترسی آسان به اطلاعات باعث شده است که تصمیم گیری خرید آگاهانه تر و مقایسه ای تر شود.

علاوه بر این بازاریابی شبکه های اجتماعی و اینفلوئنسر ها تاثیر قابل توجهی بر رفتار مصرف کنندگان دارند. مطالعات نشان می دهد که تبلیغات از طریق اینفلوئنسر ها و بازخورد کاربران باعث افزایش اعتماد و تمایل به خرید می شود. در بازارهای نو ظهور عامل مهم دیگر قیمت و صرفه جویی اقتصادی است. م مصرف کنندگان در این کشورها معمولاً به کمپین های مقرون به صرفه و تخفیف ها واکنش بیشتری نشان می دهند و تصمیم گیری آن ها بیشتر تحت تاثیر ارزش اقتصادی قرار دارد.

همچنین، شخصی سازی (personalization) یکی از ویژگی های مهم بازاریابی دیجیتال است که باعث می شود تبلیغات و پیشنهاد ها متناسب با نیاز ها و علایق هر فرد ارائه شود. این موضوع به طور مستقیم بر افزایش نرخ خرید و رضایت مشتری تاثیر دارد. با این حال، طوری که در بالا اشاره کردم چالش هایی نیز وجود دارد. در بازار های نو ظهور مشکلاتی مانند سطح پایین سواد دیجیتال، نگرانی های مربوط به حریم خصوصی، و دسترسی محدود به اینترنت در مناطق روستایی می تواند اثر بخشی بازاریابی دیجیتال را کاهش دهد.



در نهایت می توان گفت که بازاریابی دیجیتال با ایجاد دسترسی سریع به اطلاعات، افزایش تعامل، و آرایه تجربه های شخصی سازی شده، رفتار مصرف کنندگان در بازارهای نوظهور را به طور چشمگیری تغییر داده است. این تغییرات باعث شده است که مصرف کنندگان آگاه تر، حساس تر به قیمت، و کمتر وفادار نسبت به یک برند خاص باشند.

پ ن: تشکر و سپاسگزاری میکنم از معاونت محترم فرهنگی و مسولین محترم نشریه رستاک اندیشه.

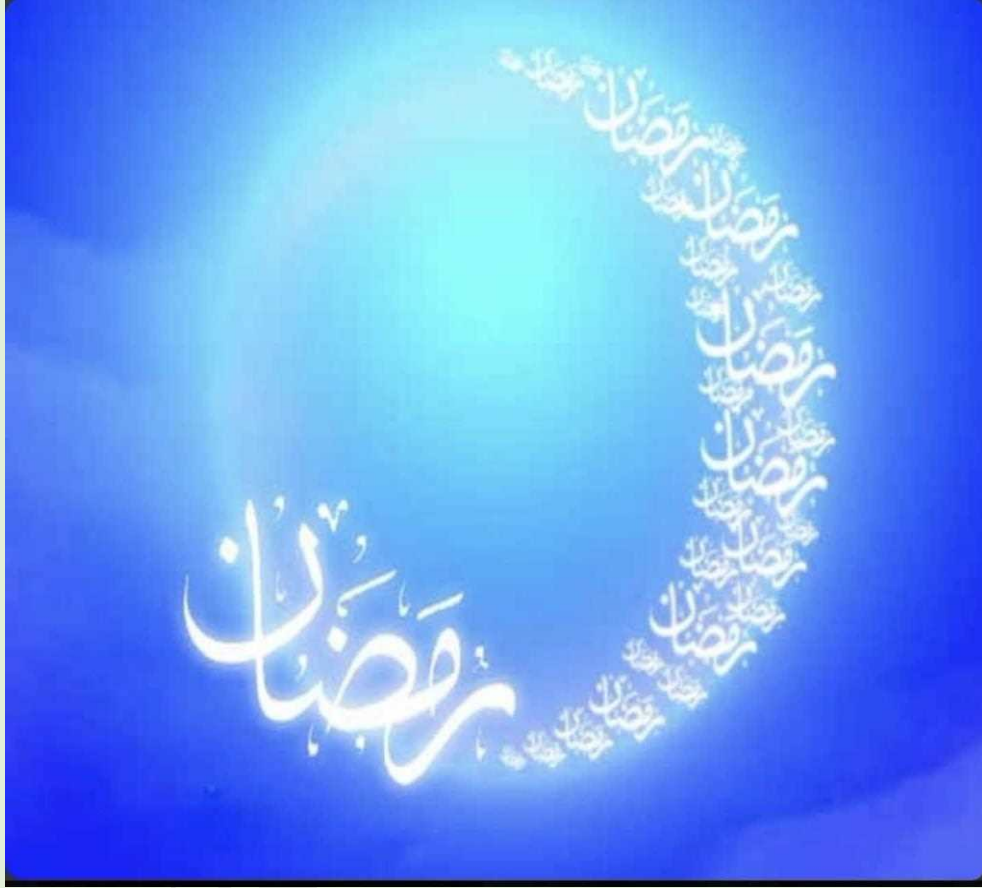
آمنه حسینی

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی

اهل افغانستان



رمضان: شهر التراحم والتكافل الاجتماعى فى صور ومواقف



يحلّ شهر رمضان المبارك كل عام ليجدد فى النفوس معانى الإخاء والتراحم، فهو ليس مجرد شهر للصيام والعبادة، بل هو فرصة عظيمة لتعزيز الروابط الاجتماعيه وتقوية أواصر المحبة بين أفراد المجتمع. تتجلى فى هذا الشهر الفضيل صور التكافل الاجتماعى بأبهى صورها، حيث تتسابق الأيدى الخيره لمد يد العون للمحتاجين، وتفتح القلوب لاستقبال الفقراء والأيتام، وتتجسد معانى الألفه والموده فى مظاهر متنوعه، منها:

* موائد الرحمن: تنتشر في كل مكان، لا تقتصر على تقديم الطعام للصائمين، بل تصبح ملتقى للأحبة والجيران، يجلس فيها الغنى والفقير جنباً إلى جنب، يتبادلون الأحاديث ويتشاركون الأجواء الروحانية، مما يكسر حواجز الفروقات الاجتماعية ويعزز الشعور بالانتماء للمجتمع الواحد.

* حملات إفطار الصائم: تنظمها الأفراد والمؤسسات والجمعيات الخيرية، حيث يتم تجميع وجبات إفطار وتوزيعها على العمال، وسائقي سيارات الأجرة، والأسر المحتاجة، مما يضمن وصول نعمة الإفطار إلى من قد لا تسعفه ظروفه لتجهيزها.

* زيارات الأقارب والأصدقاء: يزداد التواصل بين الأهل والأصدقاء في رمضان، حيث تتوالى الدعوات على موائد الإفطار والسحور، مما يعمق العلاقات الأسرية ويعزز الروابط الاجتماعية، ويقوى نسيج المجتمع.

* توزيع سلال الخير: تقوم العديد من الأسر والمؤسسات بتجهيز سلال تحتوى على المواد الغذائية الأساسية وتوزيعها على الأسر المتعففة قبل بداية الشهر أو خلاله، وهي لفته كريمة تعبر عن التكافل وتضمن للجميع قدراً كافياً من المؤونة.

* مبادرات كسر الصيام: في بعض المناطق، تنتشر مبادرات بسيطة لكنها مؤثرة، مثل توزيع الماء والتمر على الصائمين العابرين عند اقتراب موعد أذان المغرب، وهي لفته إنسانية تلامس القلوب وتعكس روح العطاء.

رمضان
يجمعنا

يشهد رمضان إقبالاً لافتاً على هذه الأعمال الخيرية، فتتحول المساجد والجمعيات الخيرية إلى مراكز لتوزيع المساعدات، وتنتشر ثقافة العطاء التي يدعو إليها الإسلام. كما تبرز أهمية هذه المبادرات في تعزيز الشعور بالمسؤولية المشتركة، وتذكيرنا بأن المجتمع القوي هو الذي تركز قوته على تأزر أفرادهم وتعاونهم.

إن الأجواء الرمضانية الفريدة، من الاجتماع على موائد الإفطار، وتبادل الزيارات، والتشاور في أمور الخير، تخلق حالة استثنائية من الوحدة والتكاتف. رمضان هو شهر العطاء بلا حدود، وشهر التسامح والغفران، وهو مناسبة سنوية لإعادة شحن طاقتنا الإيجابية وتعزيز حس المسؤولية الاجتماعية لدينا، لنكون عنصراً فاعلاً في بناء مجتمع أكثر ترابطاً وتكافلاً.

اسراء نظام

دانشجوی کارشناسی روابط بین الملل

اهل سوریه





یک جهان، یک جان

لاله‌های یک گلستانیم زبان ما یکی‌ست
ما نمک‌گیره‌میم و آب‌ونان ما یکی‌ست

بامیان ما یکی و اصفهان ما یکی‌ست
خانه‌ی ما میهن ما آشیان ما یکی‌ست

زاده‌ی یک میهن‌ایم هم‌زادگاه مولوی
پیکرما فرق دارد لیک جان ما یکی‌ست

شهد می‌گوییم سخن با پارسی رودکی
کابل و بلخ و بخارا تهران ما یکی‌ست

تن یکی میهن یکی فرهنگ ما اصلاً یکی
عهد بستیم ما از اول که جهان ما یکی ست

لاله‌های یک چمن ازهر دری گویند سخن
هم بهار ما یکی و هم خزان ما یکی ست

شاهنامه شاهبیت نامه‌ها داریم و بس
در حماسه در تغزل هم بیان ما یکی ست

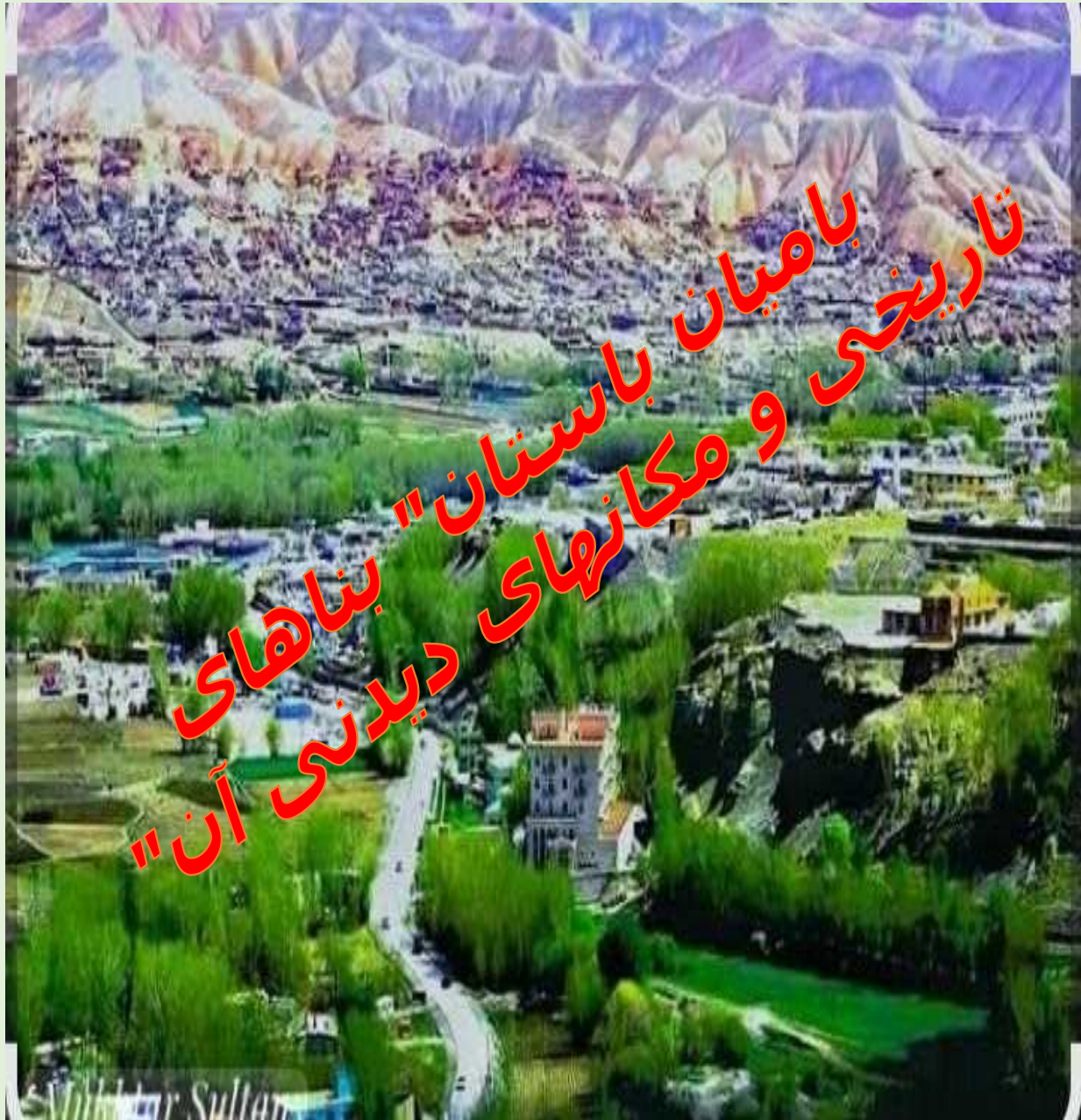
پارسی ای نقطه‌ای وصل تمدن‌های شرق
پارسی را پاس می‌داریم زبان ما یکی ست

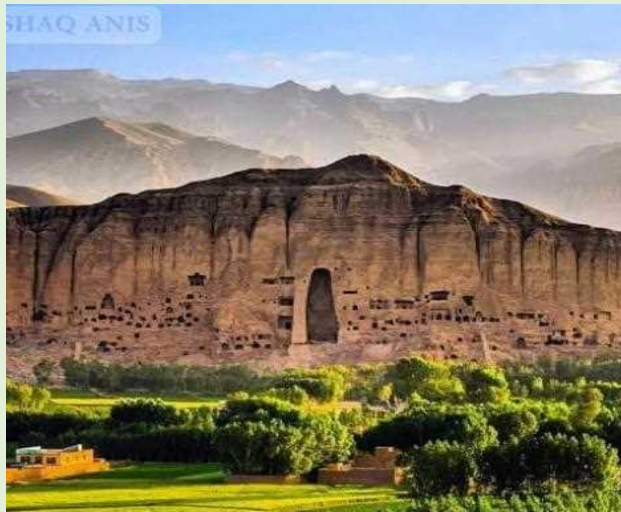
شاعر: اسدالله احمدی

دانشجوی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی

اهل افغانستان







بامیان ولایتی است در مسیر جاده‌ای ابریشم که در گذشته، مسیر رفت و آمد بازرگانی آسیای میانه و هند را به یکدیگر متصل می‌کرد. این ولایت، علاوه بر جغرافیا، فرهنگ و تمدن شمال و جنوب هندوکش را به هم پیوند می‌داد.

لفظ «بام» که در واژگان «بامی، بامین و بامیان» دیده می‌شود، به معنای روشن و درخشندگی است. وقتی می‌گوئیم از بام تا شام، مراد ما از اول صبح روشن تا شام تاریک است.

بنابر گفته دکتر محمد حسین یمین، نام بامیان در اوستا آمده است. احیاناً به شکل wam-gien یا gien-bam و صورت پهلوی آن bamikan باشد که در دوره جدید «بامیگان» تلفظ می‌شده است. در اوستا نیز «بامیه» صفت و به معنای فروزنده و تابنده بوده؛ «بامیک» پهلوی نیز از همین ریشه می‌باشد. در زبان فارسی دری هم واژه «بام» به معنای روشنی، سپیده دم و درخشانی صبح است. به هر حال آنچه از کتب معتبر و نظریات دانشمندان برمی آید، واژه بامیان به معنی روشن و بلند است.

بامیان تاریخی محدود به بامیان کنونی نبوده، بلکه بسیار پهناور و یکی از ایالات مشهور خراسان قدیم به شمار می‌رفته است. هنگامی که مرکز حکومت در بامیان بود، بخشی از غور و تخارستان و بدخشان و غزنی و کابل و پروان هم جزئی از ولایت بامیان محسوب می‌شدند.

جغرافیدانان قرن چهارم اسلامی، همچون: استخری، ابن حوقل، مقدسی بشاری،



صاحب حدودالعالم و
مُهلبي مصرى و... درباره
جغرافيا و شهرهاى
تاريخى باميان بحث
وبررسى نموده اند.

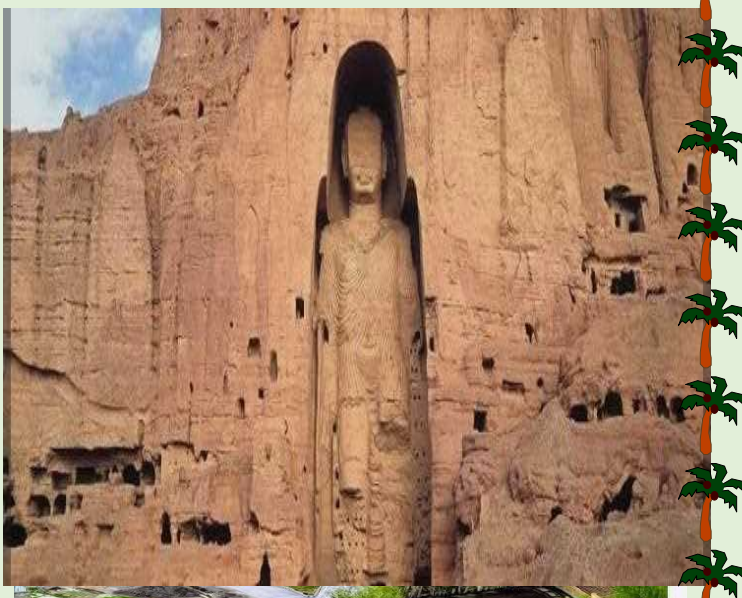
باميان شهر مركزى خيلى
مهم افغانستان بوده و
قرنها به عنوان راه
عمدهى مواصلاتى ميان


شمال و جنوب به شمار مى رفته است؛ علاوه بر آن، نظر به اينكه داراى بناهاى
تاريخى و فرهنگى است، محل مراجعه گردشگران و توريستان خارجى نيز مى باشد.
اکثر بناهاى تاريخى و جاذبه هاى طبيعى باميان ثبت يونسكو شده و از مناطق
حفاظت شده يونسكو بشمار مى آيد.

در ادامه مى پردازيم به معرفى چند بناى تاريخى و گردشگرى ولايت زيباى باميان:

۱: بت هاى باميان

در مركز ولايت باميان و دره هاى پيرامون
آن تنديس هاى بسيارى موجود است كه
مهم ترين آنها دو تنديس ايستاده و سه
تنديس نشسته و يك تنديس خوابيده در
مركز باميان است. از جمله آنها: بت
صلصال در قرن ۵ ميلادى و شهمامه در
قرن ۲ ميلادى؛ تنديس صلصال ۵۶ مترى





و تندیس شهمامه ۲۸ متری است که امروزه به مجسمه‌ی بودا/ معروف است و از شهرت بسیاری در افغانستان و جهان برخوردار است. «این دو تندیس عظیم که در دیواره سنگی کوهی رو به جنوب و در بخش شمالی شهر بامیان است، بزرگ‌ترین مجسمه‌های سنگی جهان هستند. در گذشته از روی آنها مجسمه‌های خُرد می‌ساختند و می‌فروختند و بدین وسیله نمونه آن‌ها در تمام دنیای بودایی منتشر می‌شد. چنانچه در میان مجسمه‌های قدیم و جدید چین و جاپان و تبت نمونه‌ی بت‌های بامیان دیده می‌شود.

در نزدیکی این دو پیکر، تندیس دیگری به شکل یک پیرزن است که نامش «نسرُم» بوده است و او را «ستوا» هم می‌گویند. همچنین در این منطقه حدود یازده مزگت (مسجد) و حدود سه هزار مغاره و سالن و سردابه و اتاق‌های مجلل در داخل کوه سنگی و با مهندسی بسیار عالی ساخته شده است که در آنها تصاویر خدایان، شاهان و راهبان و مردان و زنان به طور بسیار ظریف و زیبا با رنگ‌های آبی، سفید، سیاه، لاجوردی، سرخ، زردکاهی، ارغوانی و طلایی رسم شده است که آثار برخی از این نگاره‌ها تا امروز نیز باقی مانده است.



۲: شهر ضحاک

یکی از قلعه‌های شگفت‌انگیز و تاریخی بامیان، قلعه‌ی ضحاک است که در سده ششم پیش از میلاد ساخته شده.

بر اساس اوستا و منابع عربی و فارسی و شاهنامه فردوسی،

ضحاک پادشاه قدرتمندی بود که سال‌ها با جمشید پادشاه بلخ جنگید و به حکومت رسید. اما حکومتی را که ضحاک بنا گذاشته بود، پس از هزار سال، توسط فریدون و کاوه آهنگر بامی پایان یافت.

قلعه‌ی ضحاک در منطقه‌ی شش پل در حدود بیست و پنج کیلومتری شمال شرق بامیان و در مرز ولسوالی شیر واقع شده است.

در دره‌ی ورودی شمال شرق مرکز بامیان، در سه راهی بلخ و کابل و غزنی، جایی که دو آب بامیان و دره‌ی کالو به هم می‌رسند، ویرانه‌های گسترده‌ای از دیوارها و برج و باروهای کهنه‌ای به جا مانده است که به نام‌های قلعه‌ی ضحاک و شهر

ضحاک نیز به نام شهر سرخ یاد می‌شود. بخشی از برج‌هایی که در سمت دره‌ی کالو قرار دارد، به نام شهر نریمان معروف شده است.

شهر ضحاک با معماری بسیار پیچیده و افسانه‌ای ساخته شده است. دیوارهای شهر ضحاک همانند قلعه‌ای چهل برج به صورت کمربند از پایین و





دامنه ای کوه آغاز شده و به سمت قله کوه کشیده می شود و هرچه بالاتر می رود، پهنا و ارتفاع دیوارها بیشتر و کمریندهای امنیتی آن محکمتر می شود.

گمان می رود که این مجموعه بناها در سه بخش بوده که بخش

بالای ارگ برای حاکم و اهل دربار، بخش پایین ارگ برای سربازان و مدافعان شهر و بخش مسکونی شهر برای عامه ای مردم بوده است.

از منابع کهن برمی آید که تاریخ بنای شهر ضحاک و شهر نریمان و چهل برج به زمان اساطیر و دوران مهری- ویدی می رسد و با شاهان پیشدادی و داستان جنگ ضحاک با قیام عدالت خواهانه ی فریدون و کاوه آهنگر با سلطنت خاندان سام نریمان زابلی و با شاهان شنسبی غور و بامیان مرتبط است.

۲: شهر غلغله

مهمترین شهر تاریخی در مرکز بامیان، بالاحصار یا شهر شاهی بوده است. شهر شاهی امروزه موسوم به شهر غلغله است. ارگ شهر غلغله که در دامنه ای جنوب



شرق بت‌ها واقع است، بر بالای تپه ای سنگی به بلندی حدود ۱۰۰ تا ۱۴۰ متر ساخته شده بود و امروز خرابه‌های آن به مساحت ۴ تا ۵ هکتار زمین می رسد.

خرابه‌ی مسجد جامع شهر، برج‌های دیدبانی، مغاره‌ها، زیرزمینی‌های پریچ و خم، نوع خاص معماری و مصالح به کار رفته در ساخت شهر غلغله، هنوز هم برای گردشگران بسیار جذاب و دیدنی است. این شهر از جمله هشت اثر تاریخی ولایت بامیان است که جزو میراث‌های فرهنگی جهان شمرده می‌شود.

هرچند بانی شهر غلغله را *ملک فخرالدین*، برادر بزرگ سلطان علاءالدین حسین شاه غوری می‌دانند، اما به نظر می‌رسد این شهر مانند شهر ضحاک و دیگر شهرهای اساطیری به دوران اساطیر برمی‌گردد. زیرا سیستم آبرسانی آن عیناً مثل سیستم آبرسانی شهر ضحاک و چهل برج و دیگر قلعه‌های اساطیری می‌باشد. از این قلعه نیز شماری پارچه و کاسه های گلی سبز رنگ با نوشته های کوفی و تعدادی اسناد خطی روی کاغذ پیدا شده است. همچنین یک دروازه ی چوبی که برآن به رسم الخط کوفی «الملک الله» نوشته شده و یک جلد کتاب خطی معروف به فال نامه که مرکب از چندین رساله و بعضی یاد داشت‌ها است به دست آمده است.

شهر غلغله با قدمت ۲۰۰۰ ساله، توسط چنگیزخان مغول در قرن ۷ هجری ویران شد و ساکنان آن نیز قتل عام شدند. این شهر در سال ۲۰۱۲ میلادی در فهرست آثار یونسکو به ثبت رسید.

۴: قلعه ی چهل برج

یکی از عجایب تاریخی و دیدنی بامیان قلعه ی چهل برج است که در حدود ۷۵ کیلومتری شمال غرب مرکز ولسوالی یکه وُلنگ بامیان واقع است. این قلعه همانند مراکز نظامی و سلطنتی نیاکان باستانی مردم بامیان است. بنای آن از سنگ و بخش بالای آن از خشت خام ساخته شده و عرض دیوارهای آن حدود سه متر بوده است.

این ساختمان چنان محکم است که با گذشت قرن‌ها هنوز هم در مقابل حوادث طبیعی مانند برف و باران و زلزله‌ها به طور کلی محو و نابود نگردیده است.

گفته می‌شود این قلعه دارای صد تا سیصد برج بوده است و در داخل سقف‌های آن نقاشی‌های خیلی ظریف و زیبا به رنگ‌های مختلف دیده می‌شود. باستان‌شناسان



عقیده دارند که بنای چهل برج به دوره‌ی پیش از اسلام برمی گردد و ساختمان آن مانند قلعه‌ی ضحاک است. در سقف و کنار دیوارهای اطاق‌ها تصاویر بسیار زیبا و دل نشین به رنگ سرخ نقاشی شده است که در آن زنان کمر باریک و در حال رقص، پیاله‌هایی در دست دارند و به کسی نشسته بر تخت تعارف می‌کنند.

در یکی از این اطاق‌ها تصویر

مردی دیده می‌شود که احتمالاً پادشاه مقتدری بوده است. چند مرد در اطراف او ایستاده‌اند و رقاصه‌ها پیش رویش در حال رقص اند. در قسمت دو بازوی این مرد دو مار کوچک و زیبا طوری رسم شده است که گویا این مارها از شانه‌های وی روییده اند. نام



این مرد و تصاویر معلوم نیست، اما مردم می‌گویند که این تصویر مربوط به ضحاک ماردوش است.

۵: بند امیر

بند امیر بامیان در دامنه کوه بابا و در ۱۲۵ کیلو متری کابل قرار دارد. بند امیر به مساحت ۴۱ هزار یا ۶۲

هزار هکتار زمین به عنوان نخستین پارک ملی افغانستان در تاریخ ۳۰ سرطان ۱۳۸۸ افتتاح شد. بند امیر سرچشمه‌ی دریای بلخاب است.

تمدن و حاصل خیزی حوزه‌ی بلخ مدیون آب‌های بامیان و بند امیر است. بند امیر دارای هفت چشمه طبیعی است که از سه بند جداگانه و چهار بند به هم پیوسته تشکیل شده است. عمق این بندها متفاوت است؛ از شش متر شروع شده تا ۶۴ متر ادامه می‌یابد.

از این بندها به نام‌های: بند بربر، بند غلامان، بند ذوالفقار، بند پنیر، بند قنبر، بند پودینه و بند هیبت یاد می‌شود. بزرگ‌ترین این بندها، بند ذوالفقار و کوچک‌ترین آن بند غلامان و زیباترین و عمیق‌ترین آن‌ها بند هیبت است.



مردم بامیان داستان شیرین و معروفی را درباره‌ی سازنده‌ی بند امیر نقل می‌کنند. آن‌ها معتقدند که بند امیر در زمان شاه بربر توسط حضرت علی(ع) ساخته شده است. آن‌ها نقل می‌کنند که امام علی (ع) معجزه‌آسا و با نام مستعار «قشمشم» به بامیان



آمده و پادشاه بربر را مسلمان کرده و اژدهای بد نهادی که سالانه می‌آمده و محصولات زمین‌های مردم را به یغما می‌برده را کشته و بند امیر را که آب آن غیر قابل کنترل بوده و زمین‌های حاصلخیز مردم را خراب می‌کرده را مهار کرده و در کنار آن نماز شکرانه به جا آورده است. امروز بنای کوچکی در کنار بند امیر ساخته شده که نام آن «قدم گاه حضرت علی» است که زیارتگاه خاص و عام است.

در قسمت پایینی بند هیبت، یک چشمه وجود

دارد که از آن به نام «چشمه‌ی شفا» یاد می‌شود. در بند امیر حیوانات بومی مانند: آهوی نخشیر، گرگ، روباه، شغال و انواع موش‌ها زندگی می‌کنند. همچنین باز و عقاب و باشه نیز از پرندگان معروف این منطقه هستند.

فاضل کیانی می‌نویسد: «نام‌های بربر، بربرستان، بند بربر، شاه بربر، قلعه‌ی بربر، در بند امیر بامیان و ... از عناوین قابل تأمل در تاریخ بامیان است. احتمالاً بند امیر در گذشته

به نام بند بربر یاد می شده. بربر نام بد و هراسناکی نیست، بلکه یک نام خوب تاریخی و ریشه دار است.

بربر به زبان یونانی باربار است. یونانیان باستان مردم بیگانه و غیر یونانی را باربار و غیر متمدن می گفتند. نکته‌ی دوم این که تقدیس آب، دریا، خورشید، باد، باران، ابر، آتش، زمین، کوه و... و اعتقاد به چشمه‌ی شفا و داستان‌ها و افسانه‌ها و تقدس بند امیر از عقاید و باورهای دوران مهری و خورشیدپرستی است. مردم بامیان بند امیر را مقدس دانسته و برای دعا و زیارت به آنجا می‌روند. نکته‌ی سوم اینکه نام ازدر و داستان کشتن ازدها توسط امام علی (ع) و ساختن بند امیر نیز قابل تأمل است و دارای ریشه‌های کهن است که با ضحاک و فریدون شاهنامه ارتباط دارد».

بی بی فرشته لایق

دانشجوی کارشناسی ارشد رشته تاریخ فرهنگ و تمدن اسلام

اهل افغانستان



Rûmî : Le Poète de l'Amour Divin et de la Sagesse Universelle



Djalâl ad-Dîn Muhammad Rûmî, plus communément appelé Rûmî, est l'une des figures les plus emblématiques et influentes de la poésie persane et de la spiritualité soufie. Né en 1207 à Balkh (dans l'actuel Afghanistan) et décédé en 1273 à Konya (dans l'actuelle Turquie), son héritage littéraire et spirituel transcende les siècles et les frontières géographiques. Poète, juriste, théologien et maître soufi, Rûmî est surtout célébré pour son exploration profonde de l'amour divin, de la quête de soi et de l'unité de l'existence.

Le Parcours d'un Sage Itinérant

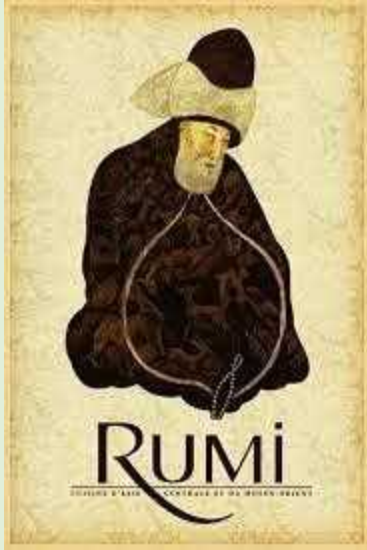
Le parcours de vie de Rûmî fut marqué par des déplacements significatifs. Sa famille quitta sa terre natale en raison des invasions mongoles pour s'installer finalement à Konya, alors capitale du Sultanat seldjoukide de Roum (d'où son surnom Rûmî, signifiant de Rome ou de l'Empire byzantin). C'est à Konya qu'il devint un érudit respecté et un prédicateur influent.

La rencontre qui bouleversa sa vie et le poussa vers la voie mystique fut celle avec Shams de Tabriz, un derviche errant. Leur relation intense et spirituelle, bien que brève, fut le catalyseur de la transformation de Rûmî. Après la disparition mystérieuse de Shams, Rûmî, dévasté par le chagrin et l'amour, se tourna davantage vers la poésie comme moyen d'exprimer ses états mystiques et sa connexion avec le Divin.



L'Œuvre Majeure : Le Masnavi et le Divan de Chams

L'œuvre la plus monumentale de Rûmî est sans doute le Masnavi-ye Ma'navi (مثنوی معنوی), souvent appelé le Masnavi. Il s'agit d'une vaste encyclopédie spirituelle composée de six volumes de poèmes, mêlant récits, anecdotes, paraboles, et discussions théologiques et mystiques. Le Masnavi est une source inépuisable de sagesse, guidant le lecteur sur le chemin de la purification de l'âme, de l'amour de Dieu et de la compréhension de l'univers. Rûmî y utilise un langage accessible, souvent imagé et plein d'humour, pour transmettre des vérités spirituelles profondes.



Parallèlement, Rûmî est l'auteur du Divan-é Chams-é Tabrizi (ديوان شمس) un recueil lyrique de poèmes d'amour extatique, de ghazals (odes) et de quatrains, vibrant de la passion pour le Bien-aimé divin. Ce recueil témoigne de la ferveur mystique de Rûmî et de son expérience directe de l'union avec Dieu.

Thèmes Centraux : Amour, Unité et Quête Spirituelle

Les thèmes récurrents dans l'œuvre de Rûmî sont:

*L'Amour Divin (Ishq) : L'amour est le moteur central de sa pensée. Il ne s'agit pas d'un amour sentimental ordinaire, mais d'une passion dévorante pour Dieu, qui consume l'ego et mène à l'annihilation spirituelle dans le Bien-aimé.

*L'Unité (Tawhid) : Rûmî prône une vision panthéiste ou panenthéiste de l'existence, où toute chose émane de Dieu et aspire à retourner à Lui. Il encourage à voir le Divin en toute chose et en toute personne.

*La Quête de Soi : Le voyage intérieur est essentiel. Rûmî invite chacun à se connaître, à transcender les illusions du moi et à découvrir la lumière divine qui réside en son propre cœur.

*La Tolérance et l'Ouverture : Bien qu'ancré dans la tradition islamique, Rûmî prône une spiritualité universelle, invitant au respect de toutes les voies menant à Dieu. Sa célèbre phrase Viens, viens, que tu sois incroyant, idolâtre ou adorateur du feu, viens ! illustre cette ouverture.

L'Héritage Vivant des Derviches Tourneurs

Rûmî est également le fondateur de l'ordre des Mawlawiyya, plus connus sous le nom de Derviches Tourneurs. Leur danse méditative, le *Sema*, où ils tournent sur eux-mêmes dans un état d'extase, est une pratique visant à symboliser le mouvement cosmique et l'union avec le Divin. Cette cérémonie, empreinte de grâce et de spiritualité, continue d'être pratiquée et fascine de par le monde.



Influence et Postérité

L'influence de Rûmî est immense, non seulement dans le monde persanophone et islamique, mais aussi à l'échelle mondiale. Ses œuvres

ont été traduites dans de très nombreuses langues et continuent d'inspirer des millions de personnes en quête de sens, de paix intérieure et de connexion spirituelle. Sa poésie, d'une beauté saisissante et d'une profondeur inégalée, offre une voie vers la compréhension de soi et de l'univers, une voie pavée d'amour, de sagesse et d'émerveillement

اسماعیل ماہازاکا

اهل ماداگاسکار

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی

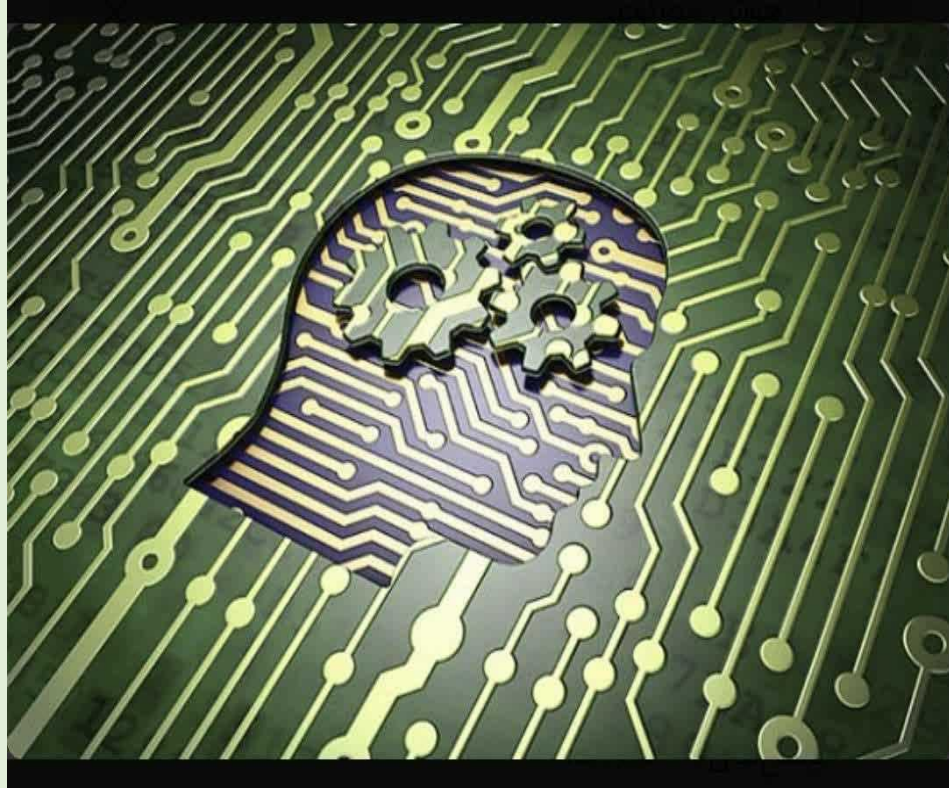


کاربرد هوش مصنوعی در بهبود تصمیم‌گیری‌های مدیریتی



در دنیای پیچیده و پرقاب‌ت امروز، مدیران سازمان‌ها برای اتخاذ تصمیم‌های دقیق و به‌موقع نیازمند ابزارهای نوین تحلیلی هستند. یکی از مهم‌ترین فناوری‌های تحول‌آفرین در این زمینه، هوش مصنوعی است. این مقاله به بررسی کاربردهای هوش مصنوعی در فرآیند تصمیم‌گیری مدیریتی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این فناوری می‌تواند به بهبود کیفیت تصمیمات، کاهش خطا و افزایش بهره‌وری سازمان‌ها کمک کند.

تصمیم‌گیری به‌عنوان قلب مدیریت، نقشی حیاتی در موفقیت یا شکست سازمان‌ها ایفا می‌کند. مدیران برای مواجهه با محیط پویا و غیرقابل پیش‌بینی بازار، نیازمند اطلاعات دقیق، تحلیل جامع و پیش‌بینی‌های آینده‌نگر هستند. روش‌های سنتی تصمیم‌گیری، با وجود کارآمدی نسبی، اغلب در برابر حجم بالای داده‌ها و پیچیدگی روابط متغیرها ناتوانند. در چنین شرایطی، هوش مصنوعی (AI) به‌عنوان ابزاری نوین وارد عرصه مدیریت شده است و با بهره‌گیری از الگوریتم‌های یادگیری ماشین، داده‌کاوی و تحلیل پیش‌بینانه، فرآیند تصمیم‌گیری را متحول ساخته است.



هوش مصنوعی در حوزه مدیریت بازرگانی کاربردهای متعددی دارد که مهم‌ترین آنها در سه بخش اصلی

قابل بررسی است:

۱. تحلیل داده‌ها و پیش‌بینی روندها

هوش مصنوعی قادر است حجم عظیمی از داده‌های سازمانی و محیطی را پردازش کند و الگوهای پنهان را آشکار سازد. برای مثال، الگوریتم‌های یادگیری ماشین می‌توانند رفتار مشتریان را تحلیل کرده و روند تقاضای آینده را پیش‌بینی کنند. این قابلیت به مدیران کمک می‌کند تا تصمیم‌های استراتژیک بهتری در زمینه بازاریابی، تولید و مدیریت منابع اتخاذ کنند.

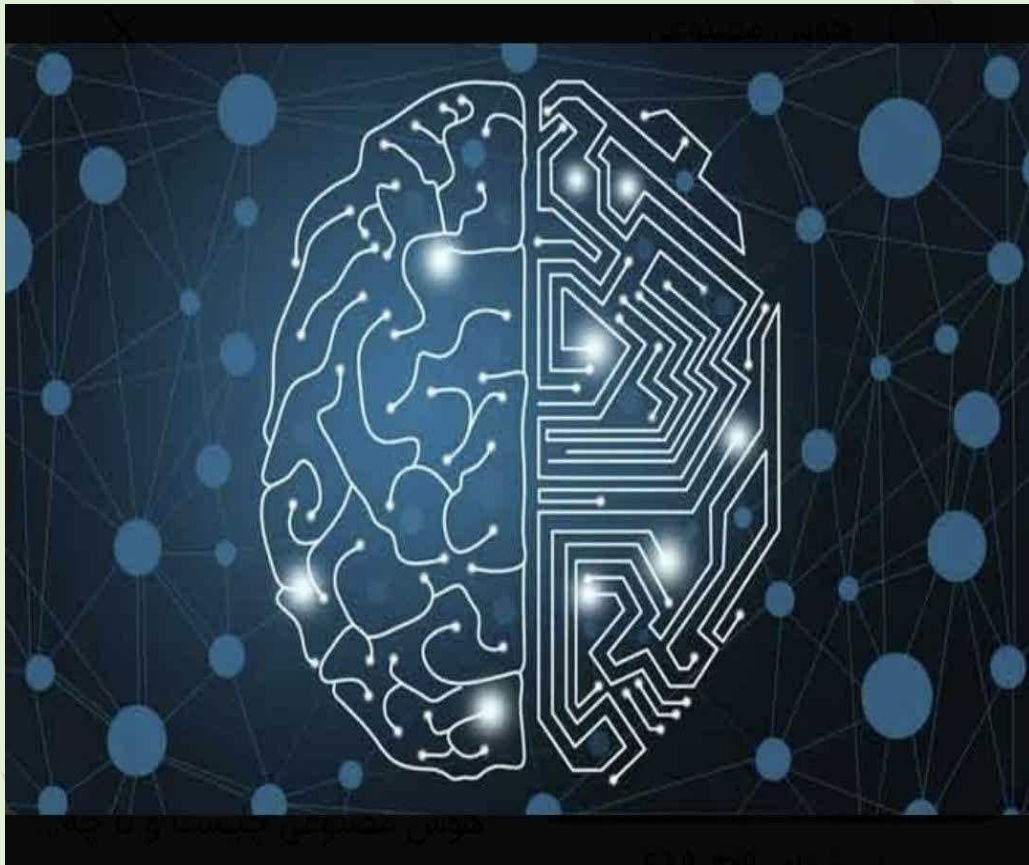
۲. بهینه‌سازی فرآیندهای سازمانی

مدیران همواره با چالش تخصیص منابع محدود مواجه‌اند. هوش مصنوعی می‌تواند با ارائه مدل‌های بهینه‌سازی، بهترین ترکیب استفاده از منابع انسانی، مالی و عملیاتی را پیشنهاد دهد؛ به عنوان نمونه، در زنجیره تأمین، سیستم‌های هوشمند می‌توانند مسیرهای حمل‌ونقل را به گونه‌ای تنظیم کنند که هزینه‌ها کاهش یافته و سرعت تحویل افزایش یابد.

۳. پشتیبانی از تصمیم‌گیری پیچیده

در بسیاری از موارد، تصمیم‌های مدیریتی نه تنها به داده‌ها، بلکه به شرایط عدم قطعیت و ریسک وابسته‌اند. سیستم‌های هوش مصنوعی با تحلیل سناریوهای مختلف و محاسبه احتمالات، به مدیران امکان می‌دهند تا پیامدهای احتمالی هر گزینه را بررسی کنند. این ویژگی به‌ویژه در مدیریت بحران، سرمایه‌گذاری و توسعه بازار اهمیت فراوان دارد.

مزایا و چالش‌ها



استفاده از هوش مصنوعی در مدیریت، مزایای متعددی مانند افزایش سرعت تصمیم‌گیری، کاهش خطاهای انسانی، و بهبود کارایی را به همراه دارد. با این حال، چالش‌هایی نیز وجود دارد؛ از جمله هزینه‌های بالای پیاده‌سازی، نیاز به زیرساخت‌های فناورانه، و مسائل اخلاقی مرتبط با جایگزینی نیروی انسانی. بنابراین، مدیران باید هوشمندانه و متوازن از این فناوری بهره‌برداری کنند.

به طور کلی، هوش مصنوعی به عنوان ابزاری کارآمد می تواند فرآیند تصمیم گیری مدیریتی را به سطحی بالاتر ارتقا دهد. این فناوری با توانایی در تحلیل داده های عظیم، پیش بینی روندها و ارائه راهکارهای بهینه، نقشی کلیدی در افزایش اثربخشی و رقابت پذیری سازمان ها ایفا می کند. با وجود چالش های موجود، آینده مدیریت بازرگانی بدون بهره گیری از هوش مصنوعی قابل تصور نیست. مدیران آینده باید نه تنها با اصول سنتی مدیریت، بلکه با فناوری های نوین همچون هوش مصنوعی آشنا باشند تا بتوانند تصمیم هایی هوشمندانه و آینده نگر اتخاذ کنند.

منابع:

1. Davenport, T. H., & Ronanki, R. (2018). Artificial Intelligence for the Real World. Harvard Business Review.
2. Shrestha, Y. R., Ben-Menahem, S. M., & Krogh, G. V. (2021). Organizational Decision-Making with Artificial Intelligence: Implications for Managers. Springer.
3. Dwivedi, Y. K., et al. (2021). Artificial Intelligence (AI): Multidisciplinary Perspectives on Emerging Challenges, Opportunities, and Agenda for Research, Practice and Policy. International Journal of Information Management, 57, 101994.

محمد اسحاق امیری

دانشجوی کارشناسی مدیریت بازرگانی

اهل افغانستان





RASTAK ANDISHE

رستاک اندیشه

فراخون در یافت آثار

علاقه‌مندان می‌توانند آثار خود را در یکی از محورهای زیر به آیدی‌های ذیل در پیام رسان ای‌تا و تلگرام ارسال نمایند

  Z_shabani3

محور های نشریه

گزارش داستان کوتاه فرشته‌نویسین سل داستانک برنامه مصاحبه دلنورته خبر شعر مقاله

آدرس دفتر نشریه

تهران، اتوبان خلیج فارس، جنب عوارضی تهران-قم، دانشگاه بین‌المللی
اهل بیت (علیهم السلام)، معاونت فرهنگی و دانشجویی، واحد شماره (۹)